



میلاد امام زمان (عج)

امروز بابا رفت فتادی
کیک بزرگی را سفارش داد
او گفت روی کیک بنویسند
میلادت ای آقا مبارک باد

فتادهم گفته که یک نرگس
با خلمه روی کیک می‌کارد
به به چه کیکي مطمئن هستم
طعم لذيذ و جلیبی دارد

بابا برای کل مهمان‌ها
آن کیک را تقسیم خواهد کرد
شادی جشن کوچک ما را
حتماً به تو تقدیم خواهد کرد

• منیره هاشمی

عطر نوروز

آهسته دارد می‌رسد از راه
از انتهای کوچه‌ی اسفند
می‌آید و پُر می‌شود کوچه
از عطر نوروز و گل و لبخند

او می‌رسد با دامنی از گل
با یک بغل سرسبزی و شادی
از عطر یاس و پونه و میخک
پُر می‌شود هر شهر و آبادی

او می‌رسد با چهره‌ای خندان
با یک لباس خوشگل پُر چین
با دست‌های سبز و پُر مهرش
دشت و دمن* را می‌کند تزیین

• امین بهاری زاده

* دمن، دشت و صحرا

گلدان زندگی

از راه دور نوروز
گویی شبانه آمد
با یک بغل گل یاس
خانه به خانه آمد

با دانه‌های بران
تق‌تق کنان به در زد
چرخی زد و به گلدان
او عشقانه سر زد

در دست خالی باغ
بذر جوانه را ریخت
در نوک هر پرند
شور ترانه را ریخت

گلدان زندگی را
در پشت شیشه آراست
هر دانه با صدایش
از خواب ناز برخاست

• زهرا عراقی



پرنده‌ی راز

رازها
شبیه یک پرنده‌اند
از قفس اگر رها شوند
دست هیچ کس به گردشان نمی‌رسد
چرخ می‌زنند
دیده می‌شوند
از زبان این و آن شنیده می‌شوند

● شهلا شهبازی

فصل سرد

زمستان بوی باران دارد و برف
برایم لحظه‌های شاد دارد
عصایش یخ زده، جیبش پر از برف
قدم در کوچه‌هلمان می‌گذارد

تنش رامی‌تکند توی کوچه
هزاران دانه می‌ریزد به هر جا
به سرعت می‌دوم تا پیش ایوان
دوباره می‌شوم غرق تملثا

پدر با کت، کلاه پشمی و گرم
می‌آید می‌نشیند توی خانه
چه کیفی می‌دهد پیش پدر جان
زمستان و اتار دانه‌دانه

● مرضیه تاجری



شاعرها چگونه شعر می‌خوانند؟ اگر می‌خواهی
یاد بگیری از اینجا گوش کن.



تصویرگر نسترن عنبری